

یادداشت

اثرات اجرای احکام در ملاعام

سعید خراطها*

■ ایران، یکی از کشورهای است که قانونگذارانش برای آدمکشی مجازات قصاص را در نظر گرفته‌اند. که این حکم بر گرفته از شریعت مقدس اسلام است. اینکه مجازات تا حدودی می تواند بازدارنده باشد، نکته‌ای است که همه جرم‌شناسان آن را قبول دارند اما در مورد اجرای احکام در ملاعام نظرات متفاوتی وجود دارد. خصوصا به عنوان یک جرم‌شناس بر این باورم مجازات مجرمان در ملاعام نمی تواند جنبه بازدارندگی داشته‌باشد، چرا که تحقیقات نشان داده افرادی که به هر دلیلی شاهد اجرای حکم هستند دچار انجنان اضطراب و هنجایی می‌شوند که بعد از اجرای حکم ممکن است درگیری‌هایی بین آنها رخ دهد یا حتی در محل اجرای حکم با مأمورانی که برای اجرا آمده‌اند، درگیر شوند. این اتفاق در مورد مراسم اعدام بیجه، قاتل ۲۲ کودک پاکدستی دیده شد و درگیری‌هایی بین برخی حضاران و مأموران رخ داد.کوشا، جوانی که به قاتل پل مدیریت شهرت یافت و صبح سه‌شنبه در این منطقه اعدام شد، نه در آن محدوده زندگی می‌کرد که بگویم عبرتی برای دوستان شورش باشد و نه مقتول این پرونده ساکن آنجا بود که بگویم این کار تسکینی برای کسانی است که این دختر را می‌شناختند. در واقع این دو صرفا از پل مدیریت عبور می‌کردند، منطقه پر رفت‌وآمدی که هر روز شاهد ترافیک سنگین در آنجا هستیم. بنابراین اعدام این جوان در ملاعام تنها تأثیری که دارد ایجاد اضطراب برای مدتی طولانی روی افرادی است که به هر دلیلی شاهد این صحنه بودند. شاید تعداد کسانی که روز قتل روی پل مدیریت بودند به ۲۰ نفر هم نمی‌رسید و فقط افراد محدودی بودند که اضطراب ناشی از این قتل را تجربه کردند اما با اعلام عمومی که درباره مجازات کوشا صورت گرفت، افراد بسیار بیشتری بودند که در محل حاضر شدند و مرگ این جوان و جان دادن او را دیدند. بنابراین فشار روانی‌ای که بر شاهدان وارد شده انقدر عمیق است که در بسیاری موارد تا پایان عمر آثار مخرب آن باقی می‌ماند. در این میان، نقش رسانه‌ها بسیار مهم و ظریف است، چرا که می‌توانند با انعکاس این اخبار و رویدادی که اتفاق افتاده‌است، افکار عمومی را به واکاوی و تفکر وادار کنندند. برخی بر این باورند که چنین اخباری نباید بازتاب داده شود، چرا که باعث ایجاد اضطراب در مردم می‌شود اما چنین طرز نگرشی صحیح نیست. همان‌طور که نمی‌توانیم تابلوهای نمایش میزان آلودگی هوا را خاموش کنیم تا مشکل از بین برود. بنابراین رسانه‌ها باید واقعیت‌های جامعه را منعکس کنند تا شهروندان با آگاهی بیشتر از خود محافظت کنند.

***جرم‌شناس و استاد دانشگاه**

حادثه‌ها

خواستگار جانیکار دستگیر شد

■ **شرق:** جوانی که به دلیل شنیدن جواب رد خانواده دختر مورد علاقه‌اش را به گیار بسته بود، بعد از دو روز فرار، دستگیر شد. این مرد ساعت ۲۰:۳۰ روز دوشنبه به خانه دختر مورد علاقه‌اش واقع در نوزآباد استان لرستان رفت و دست به اسلحه برد. در جریان این تیراندازی دختر جوان و مادر و پسرش در دم کشته شدند و یک دختر دیگر خانواده زخمی شد که او نیز در بیمارستان جان سپرد. پس از این واقعه، پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای دستگیری قاتل ۲۴ساله انجام داد و وی صبح دیروز دستگیر شد.

قتل به دلیل پاسخ ندادن به پیامک

■ **ایستنا:** پاسخ ندادن به پیامک باعث درگیری بین دو جوان و مرگ یکی از آنان بر اثر جراحات با چاقو شد. سرهنگ مهدی ترکی، فرمانده انتظامی رودسر در این‌باره گفت: روز سه‌شنبه در پی تماس مردمی، خبری مبنی بر درگیری بین دو جوان به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ شهرستان رودسر گزارش شد که در پی آن اکیپ‌های عملیاتی پلیس در صحنه حاضر شدند و با هماهنگی اورژانس فرد مجروح را به بیمارستان انتقال دادند. وی با بیان اینکه ضارب قبل از تجمع مردم و حضور پلیس از صحنه متواری شده بود، افزود: مجروح که جوانی ۲۲ساله بود در همان ساعات اولیه به دلیل شدت جراحات وارده در بیمارستان فوت شد. وی ادامه داد: کارآگاهان پلیس آگاهی در کمتر از ۲۴ساعت مخفیگاه ضارب را که جوانی ۱۸ساله است در یکی از شهرستان‌های استان گیلان شناسایی و وی را دستگیر کردند. ترکی با بیان اینکه بنا بر ادعای متهم علت درگیری مجادله لفظی در سر پاسخ ندادن به یک پیامک بود، خاطرنشان کرد: ضارب در این درگیری با استفاده از چاقو دوست خود را به قتل رساند.

عروسی خونی

■ **ایستنا:** نزاع دسته‌جمعی که در مراسم عروسی رخ داد، جان یک نفر را گرفت. وقوع نزاع و درگیری همراه با ضرب و جرح و تیراندازی در یک مراسم عروسی در روستای قلعه آقا عبدالله واقع در شهرستان شاهرود، ۱۰ نفر را راهی بیمارستان کرد که یکی از این افراد جان باخت. این درگیری به دلیل اختلاف‌ها و مشکلات گذشته بین دو طرف رخ داد و پلیس اکنون دستگیری متهم به قتل و سه نفری را که در این درگیری اقدام به تیراندازی کردند در دستور کار خود قرار داده است.



شهرام در دادگاه متکر قتل شد

شرق: مردی که متهم است همسرش را به آتش کشیده و به قتل رسانده است، این اتهام را رد کرد تا راز مرگ همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی بماند. علاوه بر این متهم، قضات دادگاه کیفری استان تهران دیروز به اتهام مرد ۸۰ساله‌ای رسیدگی کردند که او نیز به کشتن همسرش متهم شده است. به گزارش خبرنگار ما در پرونده اول که در شعبه ۲۴ دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شد، مردی که متهم به قتل همسر باردارش است برای بار دوم پای میزمحاکمه رفت. ذبیح‌زاده، نماینده دادستان در ابتدای جلسه محاکمه توضیح داد: متهم یکبار به قصاص محکوم شد ولی رای صادره در دیوان عالی کشور نقض شده است. او گفت: مأموران پلیس شهریار عصر چهارم آبان سال ۸۴ از طریق مرکز فوریت‌های پلیس از مرگ مشکوک زن جوانی در بیمارستانخابخبر و با حضور در آنجا متوجه شدند، زن جوان به نام زهره چند روز قبل بر اثر آتش‌سوزی در منزلش به شدت دچار سوختگی شده و بعد از دست‌وپنجه نرم کردن چندروزه در بیمارستان فوت کرده است. زهره پیش از مرگ به همراهانش گفته قبل از آتش‌سوزی با شوهرش درگیر شده بود. نماینده دادستان ادامه داد: «با توجه به اظهارات زهره و همچنین همسایه‌ها مبنی بر اینکه مقتول که هشت‌ماهه باردار بود، قبل از حادثه مدام با شوهرش درگیری داشت، همسر وی به نام شهرام بازداشت شد. او در مراحل بازجویی متکر دخالت در

انتقام‌گیری عجیب در فیس‌بوک

شرق: زنی که با شوهرش دچار اختلافات شدیدی شده بود، برای انتقام‌گیری از او عکس‌های خصوصی خودش را در صفحه فیس‌بوک گذاشت تا آبروی شوهرش را بسرد. به گزارش خبرنگار ما، این موضوع وقتی برملا شد که چند نفر از اقوام مردی به‌نام نیما فهمیند همسر او برای خودش صفحه فیس‌بوک درست کرده و عکس‌های خصوصی‌اش را در آن نمایش داده است. وقتی نیما از این ماجرا با خبر شد، ابتدا موضوع را انکار کرد اما هنگامی که خودش عکس‌های همسرش «شبنم» را دید از این موضوع شوکه شد و در این‌باره از شبنم پرس‌وجو کرد. زن جوان نیز گفت از این موضوع بی‌اطلاع است و نمی‌داند چه کسی برایش صفحه فیس‌بوک درست کرده است. به این ترتیب، نیما همراه همسرش به دادسرای رسیدگی به جرایم رایانه‌ای رفت و خواستار پیگیری قانونی این موضوع شد. او به عبدالرضا طرزی، دادیار شعبه سوم گفت: مدتی است صفحه‌ای با نام همسرم در شبکه فیس‌بوک ایجاد شده و عکس‌های زیادی از او در آن نمایش داده می‌شود. این موضوع باعث آبروریزی شده و دیگر نمی‌توانم در چشمان دوستان و فامیل‌هایم نگاه کنم. نمی‌دانم این کار را چه کسی انجام داده است. به دنبال این شکایت

شرق: ظن مأموران پلیس به سرشنیان یک خودرو باعث

به دام افتادن سارق خطرناک شد. این مرد که سابقه ده‌ها قفره زورگیری در پرونده‌اش ثبت شده است حین سرق‌ت از چاقو و قمه استفاده می‌کرد و طعمه‌هایش را مورد ضرب و جرح قرار می‌داد. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل یک دستگاه خودرو نیسان این‌رنگ ظن مأموران گشت کلانتری ابوفر را برانگیخت. این خودرو حامل پنج نفر بود و راننده آن با دین پلیس تلاش کرد، فرار کند اما کوشش او بی‌فوت بود و مأموران با مسدود کرد راه نیسان سرشنیشان آن را دستگیر کردند. زمانی که مأموران درباره خودرو دستگیرشدگان تحقیق کردند، معلوم شد نیسان سرق‌تی است. به این ترتیب در حالی که مشخص شده بود سه نفر از دستگیرشدگان در این سرق‌ت مشارکت داشته‌اند، پرونده اتهامی‌شان در اختیار افسران پایگاه هشتم پلیس آگاهی قرار گرفت. زمانی که مالک نیسان به پلیس آگاهی پی‌رواخوانده شد، گفت چندروز قبل سارقان به بهانه حمل بار، خودرواش را کرایه کردند اما در ادامه با تهدید چاقو خودرو را از چنگش بیرون کشیدند.

راکون در سرویس مدرسه

یوانتدپرس: راننده سرویس مدرسه‌ای در کارولینای شمالی آمریکا از دیدن راکون داخل اتوبوس وحشت کرد. راننده این اتوبوس که برای بازگرداندن دانش آموزان راهی مدرسه بود، متوجه این راکون شد. راننده و مسوولان مدرسه پس از اینکه این حیوان را از داخل اتوبوس فراری دادند، با پلیس تماس گرفتند. پلیس نیز در منطقه‌ای جنگلی به این راکون تیراندازی کرد و آن را کشت.

۱۸ کشته در دو سانحه قطار

آسوشیتدپرس: شمار قربانیان تصادف اتوبوس با یک قطار در آرژانتین به ۱۱ نفر رسید، در همین حال برخورد دو قطار در هند جان ۷ نفر را گرفت. بنا بر اعلام پلیس «یونیس‌پرس» در حادثه این شهر ۲۱۲

حوادث

معمای آتش گرفتن زن باردار

در پرونده‌ای دیگر، مرد ۸۰ساله‌ای به کشتن همسرش اعتراف کرد

مرگ همسرش شد و ادعا کرد زمان آتش گرفتن خانه‌اش، خارج از منزل بوده و از طریق همسایه‌ها از واقعه مطلع شد. به‌رغم اظهارات متهم، با توجه به مدارک موجود در پرونده، قرار مجرمیت او از سوی دادسرا، صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد. متهم یکبار در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و به قصاص محکوم شد اما رای صادره از سوی دیوان‌عالی کشور نقض شد. اکنون من به عنوان نماینده دادستان تهران یکبار دیگر روی یافته‌های پرونده تأکید و برای متهم درخواست مجازات دارم. در ادامه این جلسه اولیای‌دم مقتول برای بار دوم قصاص متهم را از قضات خواستند و قرار مجرمیت هم در این جلسه صادر شد. متهم در این جلسه اقرار کرد که با همسرش به شدت به خانواده‌اش وابسته بود و قتل گفت: همسرم به شدت به خانواده‌اش وابسته بود و به آنها اجازه دخالت در زندگی‌مان را می‌داد. روز حادثه هم بدون اجازه من به خانه مادرش شده بود. بعد از اینکه از خانه مادرش برگشت، سر همین موضوع باهم درگیر شدیم. بعد از دعوا برای خرید میوه از خانه بیرون رفتم و



مرد ۸۰ ساله توفیقی درباره قتل انگیزه قتل خوداعتراف کرد

مشکوک بودم. هر بار از او در مورد کارهایش سوال می‌کردم. با من دعوا می‌کرد. چند بار او را تعقیب کردم و دیدم سوار پیکان سفیدرنگی می‌شود. آخرین بار او را رگم کردم و به خانه برگشتم و منتظر همسرم شدم وقتی برگشت از او پرسیدم کجا رفته بود اما او جوابی نداد و باز دعوا کردیم و این بار او را با ضربه‌های چاقو کشتیم. همسرم جیغ می‌کشید و دخترم که در طبقه پایین ما زندگی می‌کرد بالا آمد اما کار از کار گذشته بود و زنم جان باخت. نماینده دادستان تهران ادامه داد: اولیای‌دم مقتول اعلام شکایت کرده‌اند و درخواست مجازات متهم را دارند، من نیز خواستار صدور حکم قانونی در این خصوص هستم. در ادامه جلسه دادگاه، فرزندان خاتون به عنوان اولیای‌دم در جایگاه حاضر شدند و همگی اعلام رضایت کردند و گفتند هیچ مجازاتی را برای پدرشان نمی‌خواهند. سپس متهم در جایگاه حاضر شد، او اتهامش را قبول کرد اما توضیحی در مورد قتل نداد و گفت: من از کارم پشیمان هستم و در مدتی که در زندان بودم سختی زیادی کشیدم اصلا حال خوبی ندارم و چون پیر شدم، نمی‌توانم کارهایم را خودم انجام دهم و در زندان خیلی اذیت می‌شوم. نمی‌دانم دادگاه چه تصمیمی بگیرام می‌گیرد اما درخواست دارم با توجه به اینکه نمی‌توانم بیشتر از این در زندان بمانم، حکم آزادآدمی صادر شود. هیات قضات پس از پایان دفاعیات متهم و وکیل‌مدافع او برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

محرومیت تحصیلی برای گلدکویستی مالباخته

شرق: دانشجویی که در آزمون دوره دکترا دانشگاه پذیرفته شده است به دلیل عضویت در شرکت گلدکویست از ادامه تحصیل بازماند. به گزارش خبرنگار ما، این جوان که مهدی نام دارد، چندی قبل به دادسرای رسیدگی به جرایم رایانه‌ای رفت و گفت در دام یکی از شرکتهای هرمی گرفتار شده است. او که مدرک کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی دارد، در این‌باره گفت: با وجود مدرک تحصیلی‌ای که دارم تا مدتی قبل نتوانسته بودم شغل مناسبی پیدا کنم. چند ماه یکبار بسودم تا اینکه مدتی قبل یکی از دوستانم که در یک آموزشگاه کار می‌کرد به من پیشنهاد داد به محل کارش بروم تا ترتیبی دهد در آموزشگاه تدریس کنم. به این ترتیب چند مرتبه به آنجا رفتم تا اینکه آنها پیشنهاد عجیبی دادند و گفتند اگر می‌خواهم آینده خوبی داشته باشم بهتر است در شرکت آنها سرمایه‌گذاری کنم. پیشنهاد آنها چشمگیر بود اما من پول چندانی برای این کار نداشتم. به همین دلیل حدود سه‌میلیون تومان پول از دوستانم قرض گرفتم و به آنها دادم اما مدتی بعد فهمیدم در دام شرکت گلدکویست گرفتار شده‌ام. بعد از آن هرچه از دوستم و همکارانش خواستم پولم را پس بدهند آنها گفتند نمی‌توانند این کار را بکنند. این در

ظن پلیس، سارق خطرناک را متوقف کرد

ده‌ها قفره زورگیری و کیف‌قاپی به زندان و جریمه محکوم شده بود اما اوایل سال۸۹ با پایان دوره محکومیتش آزاد شده و سرقه‌هایش را از سر گرفته است. شواهد موجود نشان می‌داد مه‌ران و همدستانش در جریان زورگیری‌ها طعمه‌هایشان را با چاقو و قمه

مجروح می‌کردند. همچنین معلوم شد چندی قبل در جریان تعقیب و گریز او، مأموران دست به سلاح برده و با تیراندازی به سمت مه‌ران و همدستش به‌نام محسن، او را از ناحیه پا هدف قرار داده‌اند اما محسن نتوانسته با کمک مه‌ران از چنگ مأموران بگریزد. پس از آن مأموران چندین مرتبه تا



حدود یک میلیون نفر را در این ایالت تحت‌تأثیر قرار داده و حدود ۱۶۲هزارو ۲۰۰ نفر مجبور به تخلیه خانه‌های خود شده‌اند و بیش از ۱۵هزار نفر نیز در حال حاضر آواره هستند. در این باران‌ها، سه نفر نیز جان خود را از دست دادند. در ۱۰ شهر این ایالت وضع فاجعه اعلام شده است و به علت سیل دسترسی به دست‌کم ۲۸ شهر دیگر نیز امکان‌پذیر نیست.

قاتلی با تبر

بی‌بی‌سی: مقامات محلی در شهر گونر در مرکز چین، اعلام کردند یک مرد مسلح به تبر در برابر کودکانی در این شهر به مردم حمله کرد و چهار نفر را به قتل رساند. این مرد که گفته می‌شود به بیماری روانی مبتلاست، توسط مأموران پلیس بازداشت شده است، اقدامات خشن‌تان‌آمیز در نزدیکی مراکز نگهداری

از کودکان خردسال در چین امری بی‌سابقه نیست. سال گذشته، دست‌کم شش مورد حمله با تبر در نزدیکی این‌گونه مراکز روی داد که علت این اقدامات توجه ناکافی به بیماران روانی عنوان شده است.

اورانگوتان سیگاری

ایستنا: مسوولان باغوحشی در مالزی دامن سیگار به یک اورانگوتان را ممنوع کردند. بازدیدکنندگان باغوحش به این اورانگوتان که «شرلی» نام دارد، سیگار می‌دادند. به قاضی دادگاه گفت: من همسرم را دوست دارم و به نمی‌خواهم آزار ببینم. من فرزندی ندارم و قبلا فقط یکبار ازدواج کردم و همسر فوت شد و به دلیل تنهایی ازدواج مجدد کردم و راضی به طلاق نیستم. بنا بر این گزارش، قاضی دادگاه در پایان، حکم بذل مدت صیغه را صادر کرد و جلسه را خاتمه داد.

نگاه

اهدای اعضای بدن اعدامیان

فرشید رفوگران*

■ از منظر قانونی در مقوله اهدای عضو میت به شخص بیمار، سه شرط لازم است: اول آنکه جسد سالم باشد و اعضای آن کارایی لازم را برای فرد گیرنده داشته و فاقد بیماری مهلک و خاص باشد. شرط دوم اینکه اولیای دم اهداکننده و گیرنده رضایت کامل داشته باشند و شرط آخر شامل عدم وجود منع قانونی در نحوه برداشت و اجرای عمل جراحی و اینکه این کار با قوانین وزارت بهداشت مغایرت نداشته باشد، می‌شود. نیاز بیماران به دریافت عضو از یک سو و وجود محکومان اعلامی از سوی دیگر این سوال را در ذهن متبادر می‌کند که آیا می‌توان اعضای بدن فرد اعدامی را به یک بیمار پیوند زد؟ پاسخ آن است که این کار نه‌تنها هیچ منعی ندارد، بلکه امری ممدوح و پسندیده است. به عنوان مثال در پرونده پل مدیریت، کوشا و خانواده‌اش مسلمان و ایرانی هستند. بنابراین تمام احکام، مقررات، حقوق و امتیازات شرعی و قانونی که برای یک فرد ایرانی مسلمان در نظر گرفته شده، نسبت به کوشا نیز جاری و ساری است. بنابراین می‌شد این‌طور که پدر او خواسته است، اعضای بدن وی را اهدا کرد. شاهد این ادعا این است که طبق قوانین موجود و فقه امامیه هیچ‌س حق توهین و هتک حرمت بر جسد فرد معذور را اعم از اینکه این اعدام به واسطه قصاص باشد یا جرم دیگر، ندارد و لازم است این جسد معذور با احترام برخورد کنند. آن را غسل دهند، کفن کنند و بر آن نماز بخوانند و در نهایت جسد را در قبرستان مسلمانان دفن کنند. از طرفی هر فرد ایرانی متمتع و برخوردار از تمامی حقوق مدنی و امتیازات قانونی و حقوق شهروندی است که خانواده فرد معذور نیز از این امر مستثنا نیستند. بنابراین طبق مقررات موجود و قانون شهروندی مدنی، خانواده معذور این حق را دارند که اعضای بدن فرزندان‌شان را به هر کس که طالب دریافت آن اعضاست، اهدا کنند و حتی بالاتر از این، آنها می‌توانند در قبایل این اهدا وجه یا مال دیگری دریافت کنند. این امر همان‌طور که گفته شد پسندیده، ممدوح و مطلوب است؛ چرا که در قرآن کریم آمده است: «هر کارهای خیر و نیک به یکدیگر یاری برسانید» و از آیه دیگری تأکید شده است: «هر کارهای خیر از یکدیگر پیشی بگیرید» و آیه دیگر آنکه: «هر کس نفسی را زنده کند مانند این است که تمام دنیا را نجات داده‌است.» در این میان، نتیجه و اثر مثبت چنین اقدامی در جامعه این است که از بار منفی‌ای که متوجه خانواده فرد معذور است، کاسته می‌شود و آن را به باری مثبت تبدیل می‌کند و این کار به‌طور قطع در بهبود سلامت روانی جامعه و گسترش فرهنگ ایثار و گذشت موثر و مفید است. ضمن اینکه از این طریق جان تعدادی از افراد بیمار که ممکن است به دلیل عدم دریافت عضو حیات‌شان در خطر باشد، نجات می‌یابد. در این میان ممکن است این شبهه مطرح شود که عداlet بگویند مرده، اعضای بدن یک مجرم را نمی‌خواهند. در پاسخ به این ابهام باید گفت یک مجرم تا زمانی که حد بر او جاری نشده باشد، مجرم است اما بعد از اجرای حد شرعی، او با دیگران فرقی ندارد. به خصوص که در مقوله قصاص افراد پیش از اجرای حکم توبه می‌کنند. از سویی مسلما برای کسی که نیاز به زنده بودن دارد راهی‌ای از مرگ مهم‌تر از این است که وضعیت روحی و معنوی فرد اهداکننده را بسنجد. این در حالی است که از نظر شرعی، فقهی و عقلی نیز هیچ منعی برای اهدای عضو فرد معذور به بیماران وجود ندارد. در فقه اسلامی نیز فتوای مشهوری وجود دارد که از غالب فقها سوال شده آیا می‌توان بدن انسان کافر را به‌فرد مسلمان اهدا کرد که فقها اعلام کرده‌اند این کار منع فقهی ندارد و عضو بعد از پیوند حکم عضو شخص گیرنده را دارد. از سوی دیگر معتقدیم روح انسان منشاء بروز و تحقق رفتار انسان است و وقتی جسم اهداکننده پاک است قطعا مشکلی برای پیوند عضو وجود ندارد و در حقیقت با این کار به نحوی جبران مفاتی می‌شود و اگر فرد شخص دیگری را کشته یا پیوند اعضایش کار خیری در پرونده‌اش ثبت می‌شود. هدف از قصاص، گرفتن جان فرد است و در قانون راه‌های مختلفی از جمله استفاده از سم، دستگاه شوک الکتریکی، تیرباران، استفاده از چوبه دار و… وجود دارد. پس هیچ لزومی برای استفاده از چوبه دار وجود ندارد.

*وکیل دادگستری

رخداد

طلاق به دلیل ۶۷سال اختلاف سنی

■ **فارس:** زنی که ۶۷سال از همسرش کوچک‌تر است با مراجعه به دادگاه خانواده خواستار جدایی از او شد. این زن ۳۰ساله به قاضی حسن عموژادی، رییس شعبه ۲۶۸ مجتمع قضایی خانواده گفت: «شوهرم متولد ۱۲۹۲

و اصلا من را درک نمی‌کند. من به اصرار خانواده‌ام و به خاطر ثروت شوهرم قبول کردم با او ازدواج کنم و اول صیغه هشت‌ساله خواندیدم و بعد از آن چند بار صیغه را تمدید کردیم و اکنون در عقد موقت ۹۹ساله او هستم. وی گفته مهریام فقط ۱۰سکه بهار آزادی است که آن را به همسرم می‌بخشم تا هر چه زودتر از او جدا شوم. سن همسر من در اعاب این می‌دهد. او در تمام این مدت حتی یکبار هم من را به سفر و تفریح نبرده و ادامه این زندگی برایم غیرممکن شده است. این زن ادامه داد: «من پیش از این ازدواج نکرده‌ام و نمی‌دانم چرا حاضر به ازدواج و زندگی در کنار او شدم» در ادامه جلسه، مرد ۹۷ساله و متهم قضایی خانواده گفت: «شوهرم متولد ۱۲۹۲ساله و من همسرم را دوست دارم و به قصد طلاق با او ازدواج کردم و همسر فوت شد و به دلیل تنهایی ازدواج مجدد کردم و راضی به طلاق نیستم. بنا بر این گزارش، قاضی دادگاه در پایان، حکم بذل مدت صیغه را صادر کرد و جلسه را خاتمه داد.